

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۰۲-۷۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳

کنکاشی در تلقی افراد از چیستی خرافات و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان^۱

کامران ربیعی^۱

چکیده

انسان‌ها در طول تاریخ، در مواجهه با تهدیدات محیطی و برای افزایش قدرت انطباق خود با محیط ناشناخته، باورهایی را به صورت جمعی پدید آورده‌اند. آن دسته از باورهای فاقد پایه و اساس منطقی و علمی که بعضاً خصلتی متافیزیکی یا جادویی دارند معمولاً در قالب خرافه طبقه‌بندی می‌شوند. هدف پژوهش حاضر بررسی تلقی مردم استان اصفهان از چیستی خرافات و شناسایی علل و عوامل اصلی تأثیرگذار بر درک و فهم آنان از چیستی خرافات است. به لحاظ روش‌شناسانه پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد عرفی است. بدین معنی که هدف واقعی، شناسایی خرافات رایج در جامعه نیست بلکه هدف بررسی تلقی و نظر مردم راجع به خرافات موجود در جامعه تحت تأثیر متغیرهایی مانند توسعه است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای ساکن ۲۵ شهرستان و ناحیه شهری استان اصفهان تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۶۱۹۲ نفر بوده و پیمایش بر اساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای انجام پذیرفت. نمونه‌ها بر اساس سه متغیر «سن»، «جنس» و «محل سکونت» انتخاب شده و پرسشنامه بر اساس مصاحبه‌های چهره به چهره تکمیل گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که سطح توسعه و بالا رفتن کیفیت زندگی فردی و جمعی بر میزان خرافه‌گرایی افراد اثر منفی اعمال می‌کند. هم‌چنین با بالا رفتن سطح تحصیلات افراد و به‌ویژه برخورداری آنان از تحصیلات دانشگاهی از میزان خرافه‌گرایی و تقدیرگرایی آنان کاسته می‌شود.

واژگان کلیدی: خرافات، رویکرد عرفی، توسعه اقتصادی - اجتماعی، ناپایداری، تبیین کارکردگرا.

مقدمه

در طول تاریخ یکی از نخستین دغدغه‌های انسان‌ها، فهم جهان پیرامون و درک روابط و نیروهای حاکم بر زندگی بوده است. برخلاف دوران مدرن، انسان ابتدایی خود را در محیطی به شدت تهدیدآمیز می‌یافت و در برابر نیروهای قهرآمیز طبیعت و بیماری هیچ پناهگاهی برای خود نمی‌جست. از این رو، علاقه به فهم و کشف جهان پیش روی، با انگیزه شناختن و کنترل آن، به مهم‌ترین نیازهای بشری تبدیل شد. همین جستجو و تلاش در مسیر درک و شناخت طبیعت و کشف فلسفه و معنای زندگی، بنیان جهان‌بینی و کیهان‌شناسی انسان ابتدایی را پی‌ریزی کرد که تا به امروز این تکاپو هم‌چنان ادامه دارد.

اگر چه پرسش‌هایی که در طول تاریخ جهت فهم هستی و طبیعت مطرح شد تقریباً در میان تمامی اقوام و جوامع مشابه بود، اما پاسخ‌هایی که بدان‌ها داده شد بسیار متکثر، متنوع و گاهی حتی متضاد بوده است. نوع و سازمان فرهنگ، درجه پیشرفت فنی، میزان رشد علم و دانش، دیدگاه و ایدئولوژی نخبگان جامعه و بسیاری متغیرهای دیگر همگی پاسخ‌های داده شده به دغدغه‌های هستی‌شناسانه و پرسش‌های معطوف به ماهیت طبیعت و روابط و قوانین حاکم بر آن را مقید می‌ساخته است.

انسان‌های اولیه - به مانند نسل‌های بعدی - هرگز منتظر رشد و پیشرفت نهایی علم و دانش نمانده‌اند تا بر اساس اکتشافات و پیشرفت‌های صورت گرفته پاسخ سوالات خود را دریافت کنند. تهدیدات محیطی و فوریت نیازهای انسان حکم می‌کرده تا گزاره‌هایی ولو مغایر با حقیقت و واقعیت به صورت فردی و جمعی تولید شود تا محیط مبهم، ناشناخته، تهدیدآمیز و ناپایدار بیرونی قابل زیست شود. این گزاره‌ها نه تنها می‌توانستند هراس‌های بیرونی را کاهش دهند بلکه به انسجام و همبستگی اجتماعی نیز یاری می‌رساندند. در جهان قدیم بسیاری از این باورها در هیأت حوزه‌های معرفتی مانند ستاره‌شناسی، کیمیاگری، و طالع‌بینی در آمدند که در آن جوامع عین علم فهم می‌شد و به هیچ‌وجه مقابل علم تعریف نمی‌شدند. برخی از این باورها برای مقبول و همه‌گیر واقع شدن، از مشروعیت دین استفاده

کردند و با باورهای دینی آمیخته شدند و لباسی از دین بر تن کردند تا از خلال تقدس یابی، باورپذیر شوند. از آنجایی که چنین باورهایی بنیادی متافیزیکی داشتند و به تجربه در نمی‌آمدند و به سادگی امکان ابطال آن‌ها وجود نداشت (و اصولاً فرهنگ سنتی به دنبال یافتن بنیادهای حقیقی باورهای عامیانه نبود). همین پذیرش جمعی، برای قبول آن‌ها به عنوان باورهایی درست کفایت می‌کرد.

در عصر مدرن و به‌ویژه از قرن نوزدهم به بعد، تحت تأثیر غلبه پوزیتیویسم و تجربه‌گرایی بر حوزه علم و دانش، باورهایی که بنیاد تجربی نداشته و مبتنی بر رابطه‌ای علی نبوده‌اند، اغلب ذیل مفهوم «خرافه» طبقه‌بندی شدند. از همین رو، مدرنیته با خود نوعی ستیز با باورهای مذهبی نیز به‌همراه داشت، چرا که این باورها اغلب بنیادی متافیزیکی داشته و گزاره‌هایشان به تجربه و مشاهده در نمی‌آیند.

در زمان حاضر، چیستی و ماهیت خرافات همواره مورد مناقشه بوده است. پدران جامعه‌شناسی و سایر اندیشمندان اجتماعی معمولاً در کارهای خود تلاش کرده‌اند تا در خصوص انسان دوگانه‌هایی را حول مفهوم «سنتی» و «مدرن» شکل دهند. در آثار اغلب آنان گسستی قاطع میان سنت و مدرنیته دیده می‌شود. در این نگاه فرآیند مدرن شدن فرآیند عقلانی شدن همه ساحت‌های زندگی است که متضمن تغییراتی در بنیادی‌ترین ارزش‌ها و باورهای انسان‌ها است. موتور محرکه این گذار از سنت به مدرنیته مجموعه‌ای از فرآیندهای مادی است که می‌توان آن‌ها را ذیل مفهوم «مدرنیزاسیون» فهم کرد. با خوانش متون کلاسیک جامعه‌شناسی به‌خوبی می‌توان دید که از نگاه جامعه‌شناسان اولیه و کلاسیک، تمامی کشورها در نهایت می‌بایست مسیری را بپیمایند که غرب در آن گام نهاده و نهایت پیشرفت و تکامل آن‌ها چیزی شبیه جوامع غربی خواهد بود.

امروزه و در مطالعات متأخر توسعه‌ای، به‌جای ارائه تعمیم‌های کلی و تحلیل‌های انتزاعی، پژوهش و نظریه‌پردازی به سمت انجام مطالعات موردی در مقیاس ملی و محلی رفته است. تجربه تاریخی کشورهای مختلف نشان داده که مسیر توسعه کشورها بسیار متنوع و متفاوت بوده و نمی‌توان همه کشورها را ذیل یک قانون واحد درآورد. از همین رو، برای پژوهشگران ایرانی این ضرورت وجود دارد که با انجام مطالعات موردی در مقیاس ملی

و محلی به تأثیر روندهای توسعه‌ای همچون فرآیند مدرنیزاسیون اجتماعی - اقتصادی بر جامعه پردازند، و تأثیرات مدرنیته جهانی شده بر جهان ایرانی را به دقت بررسی و مطالعه نمایند و از نظریه‌زدگی و طرح مباحث انتزاعی در خصوص ایران بپرهیزند.

پژوهش حاضر، استان اصفهان را محور مطالعه و تحقیق خود قرار داده است. از همین رو، هدف اصلی آن، «بررسی تلقی شهروندان استان اصفهان از باورهای خرافی خود، والدین و شهرستان محل سکونت‌شان» است. همچنین هدف دیگر پژوهش حاضر «بررسی رابطه میان درجه خرافه‌گرایی شهروندان با متغیرهای زمینه‌ای و درجه توسعه‌یافتگی شهرستان محل سکونت‌شان» است. در مطالعه حاضر تلاش شده تا با حجم نمونه‌ای بزرگ و با سؤالات باز، تعداد زیادی از شهروندان مورد مصاحبه قرار گیرند تا بر این اساس ذهنیت آنان در خصوص چیستی خرافات کاویده شود و این تلقی و ذهنیت، تحت متغیرهای مختلف مورد مطالعه قرار گیرد.

مفهوم خرافه

یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های بشری، همواره دغدغه فهم هستی و جایگاه انسان در آن بوده است. امروزه و با پیشرفت علوم و فنون گوناگون، این دغدغه نه تنها سست نشده بلکه بیش از پیش موضوع تلاش و کنکاش‌های آدمی قرار گرفته است. انسان‌های زمان‌های دور با دانش اندک خود که به صورت فردی و یا جمعی به تولید باورها و تصوراتی درباره ماهیت طبیعت و نیروهای حاکم بر آن می‌پرداختند. باورهایی که فاقد بنیان‌های علمی و تجربی بوده و در نگاه علمی جدید بعضاً بر آن برچسب «خرافه» می‌نهند.

لازم به ذکر است که خرافات امری جهانی است که در همه زمان‌ها و در تمامی فرهنگ‌ها یافت می‌شود. بیشتر مردم حتی اگر در مناسک خرافی مشارکت نکنند باز هم دارای باورهایی غیرعقلانی و یا خرافی هستند (Beck & Forstmeier, 2007; Vyse, 1997). مثال‌های رایج خرافات مواردی است مانند بر چوب/تخته زدن، راه نرفتن از زیر نردبان، نحسی عدد ۱۳ یا دیدن گربه سیاه، و یا کف بینی (Peterson, 1978).

ریشه‌های خرافات را می‌توان در ترس‌هایی که انسان‌ها به‌صورت فردی و جمعی آن را تجربه می‌کنند ردیابی کرد. ترس از نیروهای غیرقابل تشریح، غیرقابل پیش‌بینی و ویرانگر محیط طبیعی پیرامون انسان، خود را در قالب باورهای خرافی و اعمال آشکار و قابل رؤیت نمایان می‌سازد (McCartney, 1952: 74). از زمان عهد عتیق تا کنون بیشتر باورهای خرافی همبسته و مرتبط با عجز و ناتوانی انسان در مواجهه با مشکلات لاینحل بوده است. شماری از ترس‌ها و نگرانی‌ها رابطه‌ای مثبت با خرافه و ناسازگاری احساسی^۱ دارند (Maller & Lundeen, 1934: 609).

اگر چه با پیشرفت علوم مختلف، بسیاری از خرافات قدیم از فرهنگ جوامع رخت بریسته، اما هنوز هم بسیاری از باورهای خرافی همچنان در بین مردم رواج داشته و در مقابل علم از خود مقاومت نشان می‌دهند. هنوز هم میلیون‌ها انسان به سراغ طالع‌بین و کف‌بین و ذهن‌خوان می‌روند، اگر چه در گفتمان علمی چنین کارهایی ارتباطی با سایر رویدادها و پیامدهای حاصل ندارند، اما دست‌کم همین امر نشان می‌دهند که خرافات هنوز در جهان زنده است و ادامه حیات دارد.

به‌نظر می‌رسد که تمامی خرافات هدفی دوگانه دنبال می‌کنند: کسب تأثیرات دلخواه و جلوگیری از تأثیرات نامطلوب (Maple, 1970: 2726). خرافه تلاشی است برای محدود کردن عدم اطمینان و پیش‌بینی پیامدهای محتمل از طریق جادو و یا دستورات و کارهایی که توان کاهش تنش دارند (Jahoda, 1969).

در ارتباط با تعریف خرافه، در لغت‌نامه‌های معتبر انگلیسی برای تعریف خرافات از واژه‌هایی مانند «غیرعقلانی»، «غیرعلمی»، «ترس»، «ابهام»، «نادانی»، و غیره استفاده می‌شود که بر این اساس خرافه را یک معرفت و باور نادرست و غلط معرفی می‌نمایند (Oxford Dictionary, 2012; Webster's Third new international dictionary -) (unabridged-1986: 2296; Encyclopedia of Britannica, 2008). در فرهنگ لغت‌های غیرغربی نیز «خرافه» در مقابل «عقل» و «درستی» و «واقعیت» قرار می‌گیرد

1- emotional maladjustment

(ر.ک. عمید، ۱۳۸۹؛ دهخدا، ۱۳۸۶؛ معین، ۱۳۷۷؛ مجمع البحرین، ۱۹۶۱؛ الفراهیدی، ۱۹۸۸؛ خوری شرتونی، ۱۹۹۲).

هم‌اکنون در ارتباط با تعریف خرافه و تعیین مصادیق آن می‌توان نیروهای مختلفی را شناسایی کرد. «علم»، «دین»، و «عقلانیت عصری» هر یک با منطق خاص خود تلاش می‌کنند تا برخی از باورها و رفتارها را خرافی تلقی کنند و برخی دیگر را درست و قابل قبول قلمداد نمایند (پژوهشکده مطالعات استراتژیک، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۴). منطق «علمی» با تأکید بر مشاهده، تجربه و آزمایش، هر آنچه را از مجرای حواس پنجگانه حاصل نشده باشد و به مشاهده و تجربه در نیاید را «خرافه» می‌داند. بر اساس منطق دینی، ملاک تعیین مصادیق خرافه مبتنی بر اصول و آموزه‌های متن مقدس و بنیانگذاران و بزرگان دین است. بر این اساس هر آنچه با اصول اساسی و باورها و آموزه‌های دینی سازگار نباشد جزو خرافه طبقه‌بندی می‌شود؛ «عقلانیت عصری» نیز متکی بر درک و تصور عمومی از امر خرافی بوده که خود متأثر از متغیرهای محیطی و اجتماعی متعددی است. به لحاظ روش شناسانه، سه نوع برداشتی از خرافات که مورد بحث قرار گرفت، سه رویکرد اصلی مطالعه خرافات را تشکیل می‌دهد: «رویکرد علمی»، «رویکرد درون دینی»، «رویکرد عرفی».

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با رویکرد عرفی به سراغ تلقی افراد از خرافات رفت. در واقع در اینجا هدف شناسایی خرافات واقعی نیست، بلکه هدف مطالعه ذهنیت مردم و درک و فهم آنان از چیستی و مصادیق خرافات است و اینکه این درک و ذهنیت آنان متأثر از چه متغیرهای زمینه‌ای و محیطی است.

چارچوب نظری تحقیق

در بسیاری از متون انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، خرافات و جادو مترادف با هم به کار رفته است (همیلتون، ۱۳۸۱: ۷۸-۴۹). وجود رفتار جادویی و خرافی در میان تمامی فرهنگ‌ها قابل شناسایی بوده و پیش از هر چیز با «وضعیت ناپایداری» مرتبط است. فقدان پایداری و

ثبات می‌تواند تهدیدآمیز بوده و به شکل ظریفی صورت مناسک و تابو به خود بگیرد (Douglas, 1966).

در جوامع ابتدایی به تعبیر وبری، انسان در جامعه‌ای رازآلود زندگی می‌کرد. طبیعت برای فرد ماهیتی معمایی داشت و از این رو حتی پدیده‌های طبیعی و کاملاً مادی نیز در پس هاله‌ای از ابهام بوده و برای گذشتگان طبیعت خود منبع تهدید بود که امنیت هستی‌شناختی انسان را به مخاطره می‌انداخت (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۳). تحت این شرایط تفکر جادویی موجب می‌شود تا فرد بهتر دریابد که بر وی و محیط وی چه گذشته است و در خصوص پدیده‌ای که افراد فاقد دانش و اطلاعات کافی درباره آن هستند تفسیرهایی ارائه می‌دهد. این تفسیر و توضیح، به‌ویژه در موقعیت‌هایی به کار می‌آید که معنا در آن مغشوش بوده و تفسیر روشن و مشخصی وجود ندارد. به‌عنوان پیامد این نوع تفکر با به‌کارگیری خرافات، جهان افراد معنادارتر، قابل پیش‌بینی‌تر و کنترل‌پذیرتر می‌شود (Case et al., 2004; Keinan, 1994).

همان‌گونه که گفته شد، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان باورهایی که فاقد بنیاد تجربی و علمی است را جزو «خرافه» طبقه‌بندی می‌کنند. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که از نگاه درون فرهنگی، آنچه را که یک فرد خارجی ممکن است فاقد بنیاد تجربی فهم کند برای مردم آن فرهنگ لزوماً چنین نیست. این امر در خصوص مفهوم جادو نیز صدق می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۵۳). مردمی را می‌توان تصور کرد که برای آمدن باران دعا یا نماز باران می‌خوانند و یا اینکه مناسک و اعمال جادویی خاصی انجام می‌دهند. برای این افراد به هیچ‌وجه شکافی غیرتجربی میان اعمال و مناسک انجام شده با پدیده بارش باران وجود ندارد.

در خصوص تبیین خرافات و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر پیدایی و تدام آن‌ها می‌توان از سه رویکرد عمده کارکردگرا، رویکرد تفسیری و نمادگرا، و رویکرد عقلانی - منطقی نام برد (پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷). در ادامه هر یک از این رویکردها به صورت مختصر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

رویکرد کارکردگرا در ارتباط با باورها و مناسک موجود در جوامع و فرهنگ‌های

مختلف به دو چیز توجه نشان می‌دهد: یکی اینکه هدف وجودی این باورها و مناسک چیست و چه نیازهایی را تأمین می‌کنند. دیگری نقش و تأثیری است که این باورها و مناسک بر دوام جمع و تقویت همبستگی اجتماعی دارد. در ادبیات مرتن به اولی «کارکرد آشکار» و به دومی «کارکرد پنهان» گفته شود (گاربارینو، ۱۳۷۷: ۹۱).

بر اساس رویکرد کارکردگرا، باورها و مناسک خرافی را نمی‌بایست صرفاً به‌عنوان اموری مرتبط به گذشته‌های دور فهم کرد، بلکه می‌بایست آن‌ها را بر حسب نقشی که در فرهنگ‌های امروزی ایفا می‌کنند و کارکردهای واقعی آن‌ها فهم کرد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۵۰). روی هم رفته می‌توان گفت که فارغ از درجه پیشرفت جامعه، شرایط محیط بیرونی و درجه ثبات و امنیت موجود در جامعه تأثیر بسزایی در پیدایش و شیوع انواع خرافات دارد. خرافات اغلب جایی یافت می‌شود که درجات بالایی از شانس، عدم اطمینان، و بی‌ثباتی، و نگرانی و اضطراب وجود داشته باشد (Becker, 1975; Gregory & Petrie, 1972).

در رویکرد تفسیری انسان به‌مثابه موجودی متفکر و معناساز مورد توجه قرار می‌گیرد که از خلال کنش متقابل نمادها را تولید می‌کند و به‌صورت بین‌الذهانی آن‌ها را به اشتراک می‌گذارد. انسان از خلال کنش متقابل معانی مرتبط با نمادها را یاد می‌گیرد و البته در آن‌ها دخل و تصرف نیز می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۸۲-۲۸۱).

مطالعه نمادها و معانی آن‌ها می‌تواند نقشی که آن‌ها در زندگی روزمره ایفا می‌کنند و ارتباطشان با منظومه بزرگ‌تر معانی فرهنگی را آشکار کند. از نظر بیتی آنچه که در یک فرهنگ معین در قالب باورها، مناسک و آیین‌های مختلف به شکلی نمادین بیان می‌شود، حامل احساسات عمیق، نیازهای واقعی، آمال و آرزوهای جمعی و فردی است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۶۰). از همین‌رو می‌بایست به بازکاوی نمادها و تفسیر معانی نهفته در آن‌ها پرداخت. انسان‌ها معمولاً تجارب حسی خود را به‌صورت یک جهان معنادار و منسجم سازماندهی می‌کنند. این ذخیره معرفتی بر اساس معیارهایی حاصل می‌شود که آلفرد شووتس بدان

«بافت های معنا^۱» می‌گوید (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۲۶). کار یک جامعه‌شناس و انسان‌شناس در مواجهه با باورها و مناسک خرافی و جادویی بیرون کشیدن این بافت‌هایی معنایی از دنیایی ذهنی افراد و بازتفسیر آن‌هاست.

در تبیین مبتنی بر **عقلانیت باوری**، فرض اساسی بر این است که حتی عجیب و غریب‌ترین رفتارها نیز در سطحی از عقلانیت رخ می‌دهند. در نتیجه عالم اجتماعی می‌بایست به دنبال یافتن آن بسترها و بن‌مایه‌های عقلانی کنش باشد (فی، ۱۳۸۱: ۱۶۶). افراد با خرافات نگرانی‌ها و اضطراب‌های خود را کاهش می‌دهند و در موقعیت‌های ناپایدار، درک و تصور کنترل بر امور را در خود ارتقا می‌دهند تا استرس تجربه شده کاهش یابد. هرگاه حس کنترل بر پیامدها و امور مبهم باشد افراد انگیزه بیشتری برای گرایش به خرافات پیدا می‌کنند (Case et al., 2004; Hunt and Short, 2006). در واقع همواره می‌توان عنصری از عقلانیت را در انواع خرافات پیدا کرد که البته در متن فرهنگی و اجتماعی خاص خود معنا دار می‌شود.

در ارتباط با خرافات، تاکنون پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج کشور به انجام رسیده‌اند که هر کدام تلاش نموده‌اند از زاویه‌ای خاص به مقوله خرافه‌گرایی افراد بپردازند و بر متغیرهای سطح خرد، میانی، و کلان متفاوتی انگشت گذارده‌اند. در ۱۸۸۷ انجمن آمریکایی تحقیقات روانی^۲ نخستین گزارش منتشر شده در خصوص خرافات را در نشست خود منتشر کرد که در آن خلاصه‌ای از تمامی تحقیقات پیشین ارائه شده بود. در این گزارش، به پژوهش **مینوت**^۳ اشاره شده بود که بر اساس نتایج تحقیق وی ۱۰ درصد مردان و ۲۰ درصد زنان تمایلات خرافی دارند و خرافات در میان تمامی طبقات و نیز در بخشی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز وجود داشت.

پیش از ۱۹۴۰ عمده تمرکز تحقیقات مرتبط با خرافات و خرافه‌گرایی روی همین دو متغیر «طبقه» و «تحصیلات» بوده است. **Emme**^۴ (۱۹۴۰) با مرور تحقیقات قبلی، کلیه

1- meaning contexts

2- American Society for Psychical Research

3- Minot

4- Emme

یافته‌های پیشین را در این موارد خلاصه کرد: ۱- «باور به خرافات با بالا رفتن سن و تحصیلات کاهش می‌یابد». ۲- «زنان خرافی‌تر از مردان هستند». ۳- «دریافت و یادگیری برخی آموزش‌های خاص موجب کاهش باور به خرافات می‌شود». ۴- «منابع باورهای خرافی برای افراد مختلف متفاوت است اما مهم‌ترین آن، روابط اجتماعی قبلی افراد در گروه‌های نخستین^۱ است». ۵- «نوع احساسات ارتباط مثبتی با باورهای خرافی دارد».

در تحقیقات اولیه باورهای خرافی با نگاه غیرعادی^۲ و نامعمول نگریسته می‌شد که با قوانین علمی سازگار نبوده و فاقد صحت و اعتبار می‌باشند (Jahoda, 1968). باورهایی از قبیل نحس بودن عدد ۱۳ و یا دیدن گربه سیاه از این دست می‌باشند.

با مرور و جمع‌بندی تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با خرافات روی هم‌رفته می‌توان گفت که زنان در مقایسه با مردان گرایش بیشتری به خرافات دارند و با بالا رفتن سن بر میزان خرافه‌گرایی افراد افزوده می‌شود که البته برخی پژوهش‌ها عکس آن را نشان داده‌اند. تحصیلات نیز معمولاً اثری کاهنده بر میزان خرافه‌گرایی افراد دارند. همچنین با افزایش پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد از میزان گرایش وی به خرافات کاسته می‌شود و تلقی وی از چیستی و ماهیت خرافات دگرگون می‌شود (جدول ۱).

همچنین میان متغیرهای روان‌شناختی مانند داشتن استرس، نگرانی و اضطراب، و نیز باور افراد به بخت و اقبال و شانس، و درجه خردگرایی، فردگرایی و تقدیرگرایی آنان با گرایش افراد به خرافات رابطه وجود دارد و به‌جز متغیرهای فردگرایی و خردگرایی مابقی بر گرایش به خرافات و اوری آنان اثر افزایش‌دهنده دارند. متغیرهای محیطی مانند درجه پیشرفت فنی، میزان تسری عقلانیت ابزارری به حوزه‌های مختلف زندگی، پایداری و نبود ابهام و منابع تهدید و ترس در محیط، و میزان رواج ارزش‌های مدرنیستی در جامعه همگی می‌تواند بر روی حجم و نوع خرافات رایج در جامعه و نیز بر طرز تفکر و تلقی افراد از خرافات

1- primary group

2 - paranormal

اثرکاهنده داشته باشد (جدول ۱)؛ در جدول زیر متغیرهای اثرگذار بر گرایش افراد به خرافات که درک و تلقی آنان را از خرافات تحت تأثیر قرار می‌دهند و در پژوهش‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند آمده است.

جدول شماره ۱: رابطه میان متغیرهای مختلف با تلقی افراد از خرافات و میزان خرافه‌گرایی آنان

ردیف	نوع متغیر	صاحب‌نظر
۱	جنس	(Emme, 1940); (Blum & Blum, 1974); (Zebb & Moor, 2003); (Griffiths & Bingham, 2005); (Tobacyk and Milford, 1983); (Minot, 1887); (افشانی، ۱۳۸۵)
۲	تحصیلات	(Emme, 1940); (Blum and Blum, 1974); (Otis and Alcock, 1982); (Peltzer, 2002); (افشانی، ۱۳۸۵)؛ (فروغی و عسکری مقدم، ۱۳۸۸)؛ (شاهنوشی، ۱۳۸۸)؛
۳	سن	(Rudski, 2003); (Emme, 1940); (Gallup and Newport, 1990); (Griffiths & Bingham, 2005);
۴	آموزش‌های خاص	(Emme, 1940)
۵	گروه‌های نخستین	(Emme, 1940)
۶	مادی‌گرایی عصر جدید	(Hill & Williams, 1965)
۷	اعتماد به نفس	(Wiseman, 2003)
۸	استرس / ترس / نگرانی / اضطراب	(Keinan, 2000); (Gregory & Petrie, 1972); (Becker, 1975); (Keinan, 1994); (Blum & Blum, 1974); (Dunleavy & Miracle, 1981); (Gmelch & Felson, 1980); (Lohr & Bonge, 1981); (همیلتون، ۱۳۷۷)
۹	نیاز به کسب حس کنترل / توهم کنترل	(Keinan, 2000); (Keinan, 1994); (Hunt and Short, 2006); (Langer, 1975); (Rudski & Edwards, 2007); (Rudski et al., 1999); (Taylor, 1983); (Barsky et al., 2002); (Gruth-Marnat & Pegden, 1998); (Case et al., 2004);
۱۰	تقدیرگرایی	(Damisc & Mussweiler, 2009); (Rudski, 2001, 2004); (Day & Maltby, 2003, 2005); (افشانی، ۱۳۸۵)
۱۱	میزان دینداری	(Buhrmann and Zaugg, 1981); (افشانی، ۱۳۸۵)
۱۲	پایگاه اقتصادی اجتماعی	(افشانی، ۱۳۸۵)؛ (شاهنوشی، ۱۳۸۸)؛
۱۳	خردگرایی	(فروغی و عسکری مقدم، ۱۳۸۸)؛ (افشانی و احمدی، ۱۳۸۸)؛
۱۴	فردگرایی	(افشانی و احمدی، ۱۳۸۸)؛
۱۵	علم‌گرایی	(افشانی و احمدی، ۱۳۸۸)؛
۱۶	پایگاه شغلی	(شاهنوشی، ۱۳۸۸)؛

ادامه جدول شماره ۱

۱۷	ناپایداری و بی‌ثباتی	(Douglas, 1966); (Malinowski, 1948); (Gregory & Petrie, 1972); (McGregore, 2006b); (McGregore, 2006a); (Frost et al., 1993); (همیلتون، ۱۳۷۷)
۱۸	خطر، تهدید و ناامنی	(Malinowski, 1948); (Becker, 1975); (Gregory & Petrie, 1972); (Laurin et al., 2008); (Norenzayan & Hansen, 2006); (Pyszczynski et al., 2005); (Gray & McNaughton, 2000); (وارینگ، ۱۳۷۱); (Day & Maltby, 2005);
۱۹	ابهام در محیط	(Case et al., 2004); (Keinan, 1994); (Vyse, 1997);
۲۰	وجود شانس	(Becker, 1975); (Gregory & Petrie, 1972); (Risen & Gilovich, 2008);
۲۱	میزان نوگرایی (ارزش‌هایم درنیستی)	(افشانی، ۱۳۸۵); (فروغی و عسکری مقدم، ۱۳۸۸); (افشانی و احمدی، ۱۳۸۸);
۲۲	استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی	(افشانی، ۱۳۸۵)
۲۳	ریسک	(Hamerman, 2010: 9);
۲۴	باور به شانس	(Jiang et al., 2009); (Snyder et al., 2000); (Day & Maltby, 2005);

منبع: (مؤلف)

همان‌طور که اشاره شد، صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف تاکنون بین میزان گرایش افراد به خرافات و نیز درک و تلقی آنان از چیستی خرافات با عوامل زمینه‌ای و محیطی مختلف قایل به وجود ارتباط بوده‌اند. در یک بسته‌بندی می‌توان متغیرهای مطرح شده را بدین گونه تقسیم‌بندی کرد:

- متغیرهای روانشناختی: پایین بودن اعتماد به نفس؛ استرس، ترس، نگرانی، اضطراب؛ نیاز به کسب حس کنترل، توهم کنترل، روحیه هیجانی، ضعف قوای جسمانی؛ احساس بی‌قدرتی؛ درجه تقدیرگرایی، خردگرایی، فردگرایی، علم‌گرایی و ارزش‌های مدرنیستی افراد؛ باور به شانس؛ آموزش خاص.

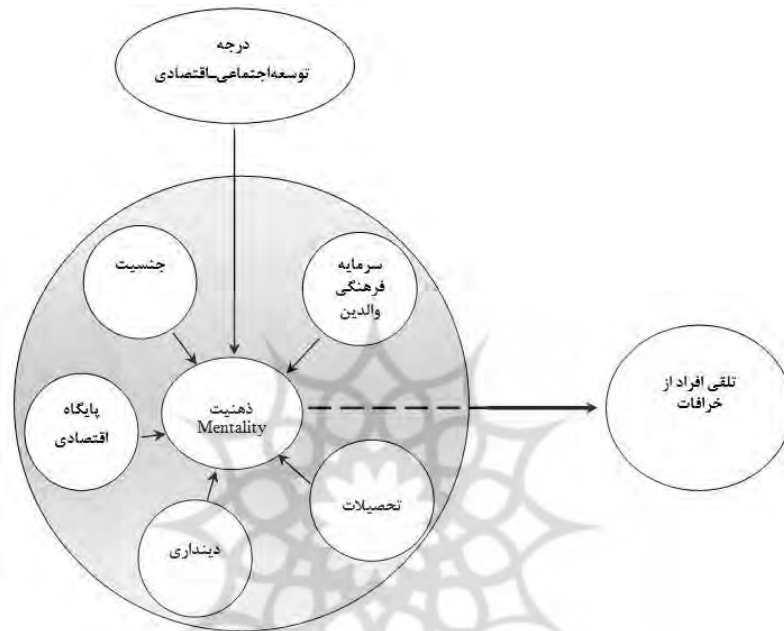
- متغیرهای جامعه‌شناختی: وجود خطر، تهدید، ناامنی در محیط؛ وجود ابهام در محیط؛ ناپایداری و بی‌ثباتی در محیط، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی نوین؛ وضعیت سوادآموزی

در جامعه؛ میزان رواج مادی‌گرایی، تقدیرگرایی، فردگرایی، خردگرایی، علم‌گرایی و ارزش‌های مدرنیستی در جامعه؛ درجه ریسک و شانس موجود در محیط، ارزش‌های محیط‌های اولیه جامعه‌پذیری و گروه‌های نخستین.

- **متغیرهای زمینه‌ای:** جنس؛ سن؛ تحصیلات؛ میزان دینداری؛ پایگاه اقتصادی - اجتماعی؛

تا بدینجا مشخص شد که تنها با یک متغیر واحد نمی‌توان به سراغ مطالعه خرافات رفت. هم‌چنین در ارتباط با خرافات صرفاً یک دانش و علم واحد قادر به نشان دادن همه زوایای مسأله و فهم همه‌جانبه آن نیست. خرافات و خرافه‌گرایی علاوه بر متغیرهای روانشناختی، تحت تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی نیز هست. هم‌چنین خرافه‌گرایی و درک و تلقی از ماهیت و چیستی خرافات حتی فراتر از این دسته متغیرها، با مقولاتی زیستی هم‌چون سن و جنس که البته سازه‌های اجتماعی نیز می‌توانند قلمداد شوند ارتباط دارد.

برای بررسی تلقی شهروندان استان اصفهان از چیستی خرافات و عوامل مؤثر بر آن مدل تجربی زیر طراحی شد. جهت انجام مطالعه تجربی، با حذف متغیرهای روانشناختی (از قبیل «روحیه هیجانی»، «استرس» و غیره) از تحقیق که از منطق و روش جامعه‌شناسانه پژوهش حاضر بیرون است، عمده متغیرهای محیطی مدنظر قرار گرفتند که تا حدی می‌توان گفت این متغیرها در دل متغیر «درجه توسعه‌یافتگی» آمده در مدل دیده شده‌اند. از همین رو در دل شاخص توسعه اجتماعی - اقتصادی آمده در مدل تحقیق، شاخص‌ها و سازه‌های اجتماعی - فرهنگی بسیاری نهفته است. در واقع پژوهش حاضر با مرور تحقیقات قبلی، درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها را به‌عنوان یک شاخص ترکیبی و پیچیده مورد توجه قرار می‌دهد که ابعاد متعددی از شرایط و وضعیت اجتماعی - اقتصادی جامعه را پوشش می‌دهد. از همین رو مدل تجربی زیر را نمی‌توان مدلی ساده با متغیرهایی محدود در نظر گرفت. علاوه بر «درجه توسعه اجتماعی - اقتصادی» و «سطح دینداری»، متغیرهای زمینه‌ای مانند «جنسیت»، «تحصیلات»، «پایگاه اقتصادی» و «سرمایه فرهنگی والدین» نیز لحاظ شده است.



شکل شماره ۱: مدل تحقیق : عوامل مؤثر بر تلقی افراد از چیستی خرافات

روش تحقیق

پژوهش حاضر را اگر چه روی هم رفته می‌توان تحقیقی کمی به‌شمار آورد، اما در انجام آن تلاش شده تا از ظرفیت‌های روش‌های کیفی نیز استفاده شود. در اینجا لازم به ذکر است که اگر چه برای مطالعه خرافات و شناخت فضای ذهنی افراد بهترین راه انجام مصاحبه‌های پدیدارشناسانه و قوم‌نگارانه است اما معمولاً انجام چنین مصاحبه‌هایی برای مطالعه گروه‌های کوچک و یا نمونه‌های محدود توصیه می‌شود. این در حالی است که برای مطالعه گروه‌های بزرگ و گردآوری داده‌های زیاد و تعمیم پذیر روش پیمایش می‌تواند بهتر جوابگو باشد. از همین رو در پژوهش حاضر که از یک سو هدف آن شناخت فضای ذهنی افراد و از سوی دیگر گردآوری داده‌ها در سطح وسیع بوده است، روش «پیمایش» با «سوالات باز» برگزیده

شد. آوردن سوالات باز، جنبه‌های کیفی و استفه‌های پژوهش حاضر را افزایش می‌دهد و این اجازه را به پژوهشگر می‌دهد که اگر چه در سطح محدود اما باز بتواند لایه‌های ذهنی مخاطبان را بکاود و تلقی آنان از چیستی خرافات را مورد مطالعه عمیق‌تری قرار داد.

در پژوهش حاضر و بر اساس رویکرد عرفی، با به‌کارگیری سوالات باز از پاسخگویان خواسته شد تا با درنگ و تأمل در باورهای خود و والدین‌شان و آنچه که در شهرستان محل سکونت رایج است، هر آنچه خرافه می‌پندارند را بازگو نمایند.

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه افراد ۱۵ سال به بالای مراکز شهرستان‌های استان اصفهان تشکیل می‌دهند. براساس گزارش سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد شهرستان‌های استان ۲۱ شهرستان بوده است. منتهی با توجه به این که هم‌اکنون میمه و شاهین‌شهر با یکدیگر یک شهرستان را تشکیل می‌دهند و به خاطر اهمیت هر دو منطقه، در پژوهش حاضر هر دو به‌عنوان یک شهرستان مجزا مورد مطالعه قرار گرفتند. هم‌چنین به‌خاطر اهمیت شهر جدید بهارستان و یا منطقه سپاهان شهر و خوراسگان برای شهر اصفهان، علاوه بر مناطق چهارده‌گانه شهر اصفهان، هر یک از این مناطق نیز به‌عنوان یک منطقه شهری، به‌صورت مجزا و با حجم نمونه‌ای مستقل مورد مطالعه قرار گرفتند.

حجم نمونه پژوهش حاضر را ۶۱۹۲ نفر تشکیل می‌دهند که نمونه‌ها بر اساس روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای بر اساس سه متغیر سن، جنس و منطقه مسکونی در ۲۵ شهرستان و منطقه شهری استان اصفهان انتخاب شدند. سوالات باز پرسشنامه از طریق مصاحبه‌های چهره - به - چهره پرسیده شد و پرسشنامه‌ها تکمیل گردیدند.

در پژوهش حاضر، متغیر «پایگاه اقتصادی» براساس هزینه‌های زندگی، متغیر «دینداری» بر اساس بعد مناسکی آن و صرفاً بر اساس انجام واجبات دینی مانند نماز و روزه، و متغیر «سرمایه فرهنگی والدین» بر اساس میزان تحصیلات آنان مورد سنجش قرار گرفت.

بر سنجش سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی شهرستان‌ها بهترین راه شاخص‌سازی این مفهوم و محاسبه آن بر اساس داده‌های دست اول بود. لیکن علی‌رغم مراجعه به تمامی دستگاه‌ها و ادارات مرتبط، به‌خاطر عدم دسترسی به داده‌های جدید، فراتحلیل پژوهش‌های قبلی که شهرستان‌های استان اصفهان را بر اساس شاخص‌های مختلف توسعه دسته‌بندی

کرده‌اند در دستور کار قرار گرفت. لذا پژوهش‌های حیبی و بلادی (۱۳۷۷)، اسماعیل (۱۳۸۵)، هوشیار (۱۳۸۵)، سامتی و جابری (۱۳۹۰) فراتحلیل شد. پژوهش‌های یاد شده شاخص‌های بسیاری متنوعی را برای سنجش سطح توسعه شهرستان‌ها به کار برده بودند و سنجش توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، و توسعه اجتماعی از اهداف اصلی آن‌ها بود. در طبقه‌بندی انجام شده بر اساس فراتحلیل تنها شهرستان‌هایی باقی ماندند که در تمامی پژوهش‌های یاد شده در دسته مشخص قرار داشتند و نتایج برای آن‌ها از ثبات و پایداری برخوردار بود. از همین رو از ۲۵ شهرستان و ناحیه شهری تنها ۱۰ مورد باقی ماند که نام شهرستان و سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها بر اساس فراتحلیل انجام شده در جدول زیر مندرج است و در محاسبات مرتبط با توسعه این شهرستان‌ها حضور دارند.

جدول شماره ۲: دسته بندی شهرستان های استان اصفهان بر اساس شاخص توسعه اجتماعی - اقتصادی

شهرستان	درجه توسعه یافتگی
اصفهان، کاشان	توسعه بالا
مبارکه، لنجان (زرین شهر)، شهرضا، نایین	توسعه متوسط
فریدن، فریدون شهر، سمیرم، دهاقان (سمیرم سفلی)	توسعه پایین

منبع: (نگارنده)

یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در عنوان پژوهش آمده، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی تلقی و درک افراد از باورهای خرافی خود، والدین و شهرستان محل سکونت شان و بررسی عوامل مؤثر بر تلقی و درک افراد از خرافات و گرایش آنان به پذیرش باورهای خرافی است.

در ارتباط با خرافاتی که پاسخگویان برای خود، والدین و شهرستان محل سکونت‌شان برشمرده‌اند ملاحظه شد که آنان برای خود ۳۵۷۳ مورد، برای والدین ۵۸۳۹ مورد و برای شهرستان محل سکونت ۷۸۸۰ مورد را اظهار نمودند که موارد اظهار شده کدگذاری و مقوله‌بندی شدند. مقولات جزیی اظهار شده برای پاسخگو در ۳۴۳ مورد برای والدین به

۵۲۷ و برای شهرستان به ۴۲۷ مورد خلاصه شد. در مرحله بعدی، این مقولات جزیی در مقولات عمده و موضوعی ادغام و گنجانده شدند که نتایج به دست آمده برای مقولات مختلف، در جدول شماره ۳ خلاصه شده است.

بر اساس یافته‌ها ملاحظه شد که وقتی فرد به باورهای خرافی خود و والدین خویش می‌اندیشد بیشتر مواردی را مطرح می‌کند که مرتبط با «اعضای بدن» و «اعداد، وقت و روز» است. این در حالی است که فرد وقتی به خرافات موجود در شهرستان فکر می‌کند مناسبی و ارزش‌های مشترک را نشانه می‌گیرد. پنج مورد نخست که افراد آن‌ها را بیش از بقیه به عنوان باورهای خرافی خود، والدین و شهرستان محل سکونت‌شان برشمرده‌اند بر حسب درصد بدین قرار می‌باشند:

- باورهای خرافی شخصی از دید پاسخگویان: ۱- عطسه کردن نشانه لزوم صبر است (۱۰،۴)؛ ۲- لزوم انجام ندادن برخی کارها در برخی روزها (۶،۳)؛ ۳- باور به چشم زخم (۵،۵)؛ ۴- دفع چشم زخم و بلا با اسفند دود کردن (۵،۱)؛ ۵- حضور ذهن ندارم اما باور خرافی دارم (۴،۷)؛

- باورهای خرافی والدین از دید پاسخگویان: ۱- نحس بودن بعضی روزهای هفته (۸،۷) ۲- دارند اما فعلاً چیزی یاد نمی‌آید (۷،۳)؛ ۳- نحسی ناخن گرفتن در شب (۵،۵)؛ ۴- بدشگون بودن قیچی به هم زدن و موجب دعوا شدن آن (۵،۳)؛ ۵- لزوم صبر کردن بر اثر عطسه (۵،۲).

- خرافات موجود در شهرستان از دید پاسخگویان: ۱- وجود دارد اما الان حضور ذهن ندارم (۱۲،۳) ۲- طالع بینی / کف بینی / فالگیری (۵،۹)؛ ۳- قمه زنی / زنجیر تیغ زنی (۵،۴)؛ ۴- افراط و تفریط در مراسم‌های عزاداری و روضه خوانی و هیئت‌ها / راه انداختن کاروان عزاداری (۴،۹)؛ ۵- دعانوشتن / دعاخواندن (۴).

جالب این‌که در خصوص باورهای خرافی اظهار شده برای شهرستان، ۲۲،۴ درصد کل موارد مطرح شده چیزی نبوده جز یک واکنش هیجانی. چرا که پاسخگو در جواب سوال مطرح شده سریعاً تأیید کرده که در شهرستان خرافات هست اما دست‌کم در درنگ و تأمل اولیه چیزی به ذهن‌اش خطور نکرده و گفته که فعلاً حضور ذهن ندارد. این مسأله را شاید

بتوان یکی از پیامدهای تضعیف همبستگی جمعی ناشی از تغییرات اجتماعی دانست که تحت تأثیر آن بیشتر افراد قائل به وجود باورهای خرافی در محیط زندگی خود هستند و حتی ممکن است تصویر تیره‌ای از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند ارائه دهند. از طبقه‌بندی و ادغام کلیه موارد می‌توان نتایج به‌دست آمده را بر حسب موضوعی در جدول ۳ ملاحظه کرد.

جدول شماره ۳: موضوعات عمده مرتبط با درک و تلقی پاسخگویان از خرافات

ردیف	درصد	خرافات شهرستان	درصد	خرافات والدین	درصد	خرافات شخصی
۱	۲۲/۴	بی‌اطلاعی پاسخگو	۱۷/۲	چیزها و خاصیت آن‌ها	۲۲/۱	اعضای بدن
۲	۱۹/۷	مراسم‌های مختلف	۱۴/۸	اعداد، وقت و روز	۱۴	اعداد، وقت و روز
۳	۹/۶	اعتقادات مذهبی	۱۳/۸	اعضای بدن	۱۴	چیزها و خاصیت آن‌ها
۴	۸/۸	آداب عقد و عروسی	۹/۶	اعتقاد به نحس بودن	۱۳/۲	اعتقادات مذهبی
۵	۸/۷	جادو و فال	۸/۹	جادو و فال	۵/۵	جاد و فال
۶	۸/۱	اعداد، وقت و روز	۶/۵	اعتقادات مذهبی	۴/۱	مهمان
۷	۶/۲	چیزها و خاصیت آن‌ها	۴/۴	مهمان	۴	روح و جن و اموات
۸	۴/۳	اعضای بدن	۳/۳	حیوانات و پرندگان	۳/۶	حیوانات و پرندگان
۹	۳/۱	روح، جن و اموات	۲/۹	گیاهان و خوراکی‌ها	۳/۲	آداب عقد و عروسی و بارداری
۱۰	۲/۱	بارداری و بچه‌داری	۲/۱	آداب عقد و عروسی	۲/۸	اعتقاد به شانس
۱۱	۱/۳	مهمان	۱/۸	خواب و خوابیدن	۱/۳	خواب و خوابیدن
۱۲	۱/۱	حیوانات و پرندگان	۱/۴	جن و شیخ	۱	مسافرت
۱۳	۰/۹	گیاهان و خوراکی‌ها	۱/۳	مسافرت	۰/۸	رنگ‌ها
۱۴	۰/۵	خواب و خوابیدن	۱/۱	رنگ‌ها	۰/۶	گیاهان و خوراکی‌ها
۱۵	۰/۴	رنگ‌ها	۱	عزاداری و اموات	۰/۳	اعتقاد به نحس بودن
۱۶	۰/۳	اعتقاد به شانس	۰/۷	اعتقاد به شانس	۰/۳	اعتقاد به مکافات عمل
۱۷	۰/۲	مسافرت	۰/۷	آداب بارداری و بچه‌داری	۱	سایر
۱۸	۰/۱	اعتقاد به نحس بودن	۰	اعتقاد به مکافات عمل	۱۰۰	درصد
۱۹	۰	اعتقاد به مکافات عمل	۰	مراسم‌های خاص	۳۵۷۳	تعداد
۲۰	۲/۳	سایر	۵/۵	سایر		
۲۱	۱۰۰	درصد	۱۰۰	درصد		
۲۱	۷۸۸۰	تعداد	۵۸۳۹	تعداد		

در پژوهش حاضر جدا از سوالات باز، جهت فهم ذهنیت و درک مردم استان اصفهان از باورهای خرافی و باورهای تقدیرگرایانه، چندین گویه در قالب سوالات بسته طراحی گردید. ۵ گویه اول همگی مواردی بودند که به باور کارشناسان علوم اجتماعی می‌توان آن‌ها را جزو خرافات رایج در جامعه ایرانی طبقه‌بندی کرد. هم‌چنین ۳ گویه طرح گردید که بیشتر مربوط به «باورهای تقدیرگرایانه» پاسخگویان بود که گویه‌های ششم تا هشتم جدول (۴) را شامل می‌شود.

بر اساس نتایج آمده در جدول (۴) ملاحظه می‌شود که میزان پذیرش باورهای مختلف در جامعه ایرانی از کشسانی بسیار زیادی برخوردار است. درحالی‌که تنها ۲۱،۹ درصد پاسخگویان با باوری مانند «باز شدن بخت ازدواج فرد بر اثر گره زدن سبزه» موافق بودند این نسبت برای گویه «اسفند دود کردن باعث دفع چشم‌زخم می‌شود» به ۷۹،۲ درصد پاسخگویان می‌رسید.

دست‌کم یافته‌های تحقیق نشان داد که مردم استان اصفهان بیش از آنکه به باورهای خرافی معتقد باشند، افرادی «تقدیرگرا» هستند. به‌عنوان مثال ۶۰،۸ درصد پاسخگویان بر این باورند که «قسمت هر کس از قبل تعیین شده»، و ۷۵،۵ درصد نیز معتقدند که «بعضی آدم‌ها خوش‌شانس هستند». هم‌چنین از نسبت ۳۵،۸ درصد افرادی که موافق این بوده‌اند که «ما نمی‌توانیم سرنوشت خود را عوض کنیم» نیز به راحتی نمی‌توان گذشت. چرا که این نسبت، می‌تواند در جامعه بالا قلمداد شود و از نگاه جامعه‌شناسانه چنین برداشتی از زندگی هماهنگ با جامعه مبتنی بر کمیابی است. جامعه‌ای که از ویژگی‌های آن پایین بودن فرصت‌های زندگی و دشواری تجربه تحرک اجتماعی و رفاه اقتصادی است. لازم به ذکر است که در ایران باورهای تقدیرگرایانه بویژه در ارتباط با سرنوشت، چندان هم منفی فهم نمی‌شود چرا که در جامعه مذهبی ایران چنین باورهایی در نسبت با اراده و تقدیر الهی درک می‌شود.

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۴ بین گرایش به «باورهای خرافی» و «باورهای تقدیرگرایانه» با متغیرهای «جنس»، «سن»، «تحصیلات»، «دینداری» و «هزینه‌های زندگی» رابطه وجود دارد. به‌نظر می‌رسد که روی هم رفته زنان بیش از مردان به باورهای خرافی گرایش دارند. هم‌چنین با افزایش سن بر میزان باورهای خرافی و تقدیرگرایانه افراد افزوده

می‌شود. هم‌چنین بین بالا بودن سطح دینداری و باور به خرافات رابطه مثبت وجود دارد. اگر چه در خصوص متغیر دینداری نتایج نشان می‌دهد که شدت رابطه چندان شدید نمی‌باشد.

در خصوص شاخص هزینه‌های زندگی نیز یافته‌ها نشان داد که بجز در خصوص «مطالعه نشریات طالع بینی» که برای طبقات بالا می‌تواند یک تفنن محسوب شود و در سبد خانوار آن‌ها چیزی مانند خرید مجلات عامه‌پسند وجود دارد، در خصوص سایر باورها، طبقات پایین‌تر جامعه از باورهای خرافی و تقدیرگرایانه بالاتری برخوردارند.

جدول شماره ۴: دیدگاه‌های پاسخگویان در خصوص برخی باورهای عامیانه

گویه	درصد موافقت		رابطه میان باور به خرافات و متغیرهای مختلف											
	موافق مخالف	جنس	سن	تحصیلات	دینداری	هزینه‌های زندگی	توسعه یافتگی	موافق مخالف	جنس	سن	تحصیلات	دینداری	هزینه‌های زندگی	توسعه یافتگی
	v	sig	v	sig	v	sig	v	sig	v	sig	v	sig	v	sig
۱- طالع‌بینی نشریات را باور دارم	۸۱/۴	۰/۰۰۰	۰/۰۸۹	۰/۰۰۰	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۰۰۶	۰/۰۸۵	۰/۰۰۲
۲- گره زدن سبزه بخت را باز می‌کند	۷۸/۱	۰/۰۰۰	۰/۱۰۲	۰/۰۰۰	۰/۱۶۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴	۰/۰۰۱	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸
۳- عدد ۱۳ نحس است	۷۷/۲	۰/۰۰۰	۰/۰۵۵	۰/۰۰۰	۰/۱۶۲	۰/۰۰۰	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴	۰/۰۰۱	۰/۱۴۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹
۴- انجام برخی کارها در بعضی روزها بدشگون است و بدبختی می‌آورد	۵۷/۴	۰/۰۰۱	۰/۰۴۳	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۰/۲۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰	۰/۱۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳
۵- اسفند دود کردن دفع چشم‌زخم می‌کند	۲۰/۵	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰	۰/۲۶۷	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۱۶۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۵
۶- ما نمی‌توانیم سرنوشت خود را عوض کنیم	۶۴/۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸۳	۰/۰۰۰	۰/۲۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	۰/۱۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۲
۷- قسمت هر کس از قبل تعیین شده است	۳۹/۲	۰/۰۰۰	۰/۱۰۴	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰	۰/۲۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	۰/۱۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۶۳
۸- بعضی آدم‌ها ذاتاً خوش شانس‌اند	۲۴/۶	۰/۰۰۱	۰/۰۴۱	۰/۰۰۱	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷	۰/۰۰۱	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۵

همچنین در رابطه با متغیر تحصیلات ملاحظه شد که برخلاف سایر متغیرها، تحصیلات بر باورهای خرافی اثر منفی اعمال می‌کند که این شدت تأثیر شدید بوده و از اثر دیگر متغیرها قوی‌تر است. در واقع چنین می‌توان گفت که در ایران داشتن تحصیلات دانشگاهی بیش از سایر متغیرها بر ذهنیت افراد اثر می‌گذارد و باورها و ارزش‌های آنان را دگرگون می‌سازد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میان میزان باورهای خرافی و تقدیرگرایانه افراد با سطح توسعه شهرستان محل سکونت رابطه وجود دارد. طبق یافته‌ها، میزان باور به خرافات در شهرهای با توسعه پایین‌تر بیشتر بوده و در این شهرها باورهای تقدیرگرایانه از پذیرش بیشتری برخوردار است (جدول ۵). در واقع توسعه اجتماعی - اقتصادی بر میزان باورهای خرافی مردم و بر باورهای تقدیرگرایانه آن‌ها اثر منفی اعمال می‌کند. حتی در درجه پذیرش باور فرهنگی عمیقی مانند «دفع چشم زخم به وسیله دود کردن اسفند» ملاحظه شد که بین سطوح پایین و بالای توسعه حدود ۱۰/۱ درصد اختلاف هست. همچنین ملاحظه شد که این تفاوت نسبت در خصوص باور به «نحس بودن عدد سیزده» برای سطوح بالا و پایین توسعه به ۹/۳ درصد می‌رسد (جدول ۵).

جدول شماره ۵: درصد موافقین با گویه‌های خرافات و تقدیرگرایی بر حسب متغیرهای مختلف

گویه	جنسیت		گروه سنی							هزینه‌های زندگی			درجه توسعه یافتگی		
	زن	مرد	زیر ۲۰ سال	۲۰ تا ۳۰	۳۱ تا ۴۰	۴۱ تا ۵۰	۵۱ تا ۶۰	۶۱ به بالا	ریال	کمتر از ۳ میلیون	۴۰ تا ۸۰	ریال	بالای ۱ میلیون	پایین	متوسط
۱- طالع‌بینی نثریات را باور دارم	۲۲/۱	۱۵/۲	۲۷/۷	۲۰/۴	۱۵/۵	۱۴/۴	۱۲/۶	۱۳/۳	۱۷/۸	۱۹/۷	۱۸/۶	۱۶/۶	۱۸/۲	۱۶/۸	
۲- گره زدن سبزه بخت را باز می‌کند	۲۶/۲	۱۷/۷	۲۱/۸	۱۶/۷	۱۸/۳	۲۱/۶	۳۲/۱	۴۱/۳	۲۷/۱	۱۸/۴	۱۳	۲۰/۲	۲۳/۷	۱۵/۹	
۳- عدد ۱۳ نحس است	۲۵/۱	۲۰/۵	۲۰/۹	۱۶/۸	۲۲/۵	۲۲/۵	۳۱/۵	۴۳/۲	۲۸/۸	۱۸/۲	۱۴/۲	۲۷/۳	۲۴/۶	۱۸	
۴- انجام برخی کارها در بعضی روزها بدشگون است و بدبختی می‌آورد	۴۴/۸	۴۰/۵	۴۵/۷	۳۸/۴	۴۲/۶	۳۸/۵	۴۹/۱	۵۲/۵	۴۹	۳۸/۷	۳۰/۹	۴۲/۷	۵۱/۲	۳۵/۵	
۵- اسفند دود کردن دفع چشم‌زخم می‌کند	۸۵/۱	۷۴/۱	۸۱/۲	۷۹	۷۹/۲	۷۷/۵	۸۱/۶	۷۹/۳	۸۴/۹	۷۶/۶	۶۸	۸۳/۳	۸۵/۳	۷۳/۲	

۳۱/۷	۳۶/۵	۳۴/۵	۲۶/۵	۳۱/۶	۴۱/۴	۵۹/۹	۴۸/۵	۴۰	۳۳	۲۹/۱	۳۰/۵	۳۱/۲	۴۰/۴	ع- ما نمی‌توانیم سرنوشت خود را عوض کنیم
۵۹/۴	۸۵/۸	۶۵/۶	۴۹/۶	۵۷/۲	۶۶/۳	۷۸/۹	۷۱/۴	۶۲/۱	۶۰/۲	۵۵/۸	۵۶/۷	۵۵/۸	۶۶	۷- قسمت هر کس از قبل تعیین شده است
۷۴/۷	۷۵/۷	۸۰/۱	۶۹/۷	۷۲/۷	۷۹/۲	۷۵/۹	۷۲/۲	۷۶/۹	۷۵/۵	۷۴/۹	۷۶/۸	۷۳/۳	۷۷/۲	۸- بعضی آدمها ذاتاً خوش شانس‌اند

ادامه جدول شماره ۵: درصد موافقین با گویه‌های خرافات و تقدیرگرایی بر حسب متغیرهای مختلف

گویه	متغیر		تحصیلات										انجام واجبات دینی (دینداری)			
	بی سواد	خواندن و نوشتن	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	بالاتر	فوق لیسانس و بالاتر	هیچ وقت	بندرت	گاهی اوقات	اکثر اوقات	همیشه		
۱- طالع‌بینی نشریات را باور دارم	۱۳/۶	۱۷/۲	۱۵/۲	۲۰/۶	۲۰/۳	۱۸/۳	۱۷/۹	۱۷/۹	۸/۸	۱۹	۳۱/۲	۲۲/۳	۲۱/۴	۱۶/۳		
۲- گره زدن سبزه بخت را باز می‌کند	۵۶/۷	۴۹/۳	۳۲/۱	۲۶/۲	۱۷/۳	۱۴	۷/۴	۹/۸	۱۴/۵	۲۱/۸	۲۶/۳	۲۳/۷	۲۱/۲	۲۱/۲		
۳- عدد ۱۳ نحس است	۵۹/۲	۴۵/۱	۳۳/۳	۲۸/۲	۱۸/۴	۱۵/۱	۷/۱	۳/۵	۱۸/۵	۲۱/۸	۲۸/۸	۲۴/۶	۲۱/۷	۲۱/۷		
۴- انجام برخی کارها در بعضی روزها بدشگون است و بیدیاری می‌آورد	۶۶/۸	۶۶/۲	۵۲/۴	۴۹	۴۰/۴	۳۶/۳	۲۵/۱	۲۱/۴	۳۰/۱	۳۷/۸	۴۶/۲	۴۶	۴۲/۱	۴۲/۱		
۵- اسفند دود کردن دفع چشم‌زخم می‌کند	۹۱/۵	۸۹/۹	۸۷/۶	۸۳/۴	۷۸/۴	۷۴/۱	۶۹/۴	۶۹/۶	۵۶/۲	۷۳/۲	۷۶/۴	۸۱/۶	۸۱/۳	۸۱/۳		
ع- ما نمی‌توانیم سرنوشت خود را عوض کنیم	۶۶/۶	۵۹	۵۵/۸	۴۰/۱	۲۹/۸	۲۶/۲	۲۲	۱۳/۲	۲۳/۷	۳۳/۱	۳۷/۱	۳۴	۳۷/۲	۳۷/۲		
۷- قسمت هر کس از قبل تعیین شده	۸۴/۲	۷۸/۵	۷۶/۶	۶۷/۲	۵۹/۲	۴۷/۵	۶۳/۶	۳۶/۹	۴۴	۵۸/۶	۵۷/۸	۵۹/۷	۶۲/۹	۶۲/۹		
۸- بعضی آدمها ذاتاً خوش شانس‌اند	۸۵/۹	۷۸/۵	۷۷/۷	۷۹/۳	۷۶/۲	۷۰/۷	۶۸/۱	۵۲/۲	۷۰/۷	۸۱/۶	۸۰/۹	۷۶/۷	۷۴/۳	۷۴/۳		

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گفته شد هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تلقی شهروندان استان اصفهان از خرافات خود، والدین و شهرستان محل سکونت‌شان بوده است. از همین روی بجای اتخاذ

رویکردی علمی و یا درون دینی که هدفشان تعیین مصادیق خرافه است، در پژوهش حاضر رویکرد عرفی برگزیده شد تا از خلال آن چیستی خرافات نه بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده بلکه با توجه به هر آنچه مردم می‌گویند احصا شود و در پایان نه خود خرافه بلکه تلقی مردم مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یافته‌ها نشان داد که فرد در مواجهه با باورهای خود بیشتر به سمت مواردی می‌رفت که مرتبط با بدن، اشیاء و یا پدیده‌های طبیعی بود. اما در رابطه با شهرستان محل سکونت ملاحظه شد که مناسک جمعی رایج در شهرستان که اغلب محتوایی مذهبی دارند بیش از بقیه به‌عنوان باورها و اعمال خرافی برشمرده شدند.

این یافته از آنجایی از اهمیت بسزایی برخوردار است که برای جامعه ایران که در آن دین نقش بسیار پررنگی در حیات اجتماعی ایفا می‌کند به‌دست آمده است. در سده‌های گذشته دین و اعتقادات مذهبی عامل اصلی همبستگی اجتماعی بوده و نه تنها در ایران بلکه در هیچ جامعه سنتی در خصوص باورهای اساسی دین مناقشه‌ای صورت نمی‌گرفته است. طبق یافته‌های جدول شماره ۳ بیشترین مواردی که به‌عنوان باورهای خرافی شهرستان مطرح شده، مرتبط با آداب و رسوم و مناسک جمعی بوده است. در این ارتباط، مواردی که مربوط به «اعضای بدن»، «بدشگون بودن انجام برخی کارها در برخی روزها»، و یا مواردی مانند «اسفند دود کردن»، و یا «باور به چشم زخم» بوده‌اند، در رده‌های پایین‌تری قرار می‌گیرند. این در حالی است که افراد، کمتر باورهای مذهبی خود و والدین خود را جزو باورهای خرافی طبقه‌بندی می‌کنند و خرافی دانستن باورهای مذهبی بیشتر مرتبط با مناسک مذهبی رایج در شهرستان می‌باشد. یکی دیگر از دلایل این تفاوت می‌تواند به بازاندیش شدن افراد بر اثر بالا رفتن سطح تحصیلات و سایر متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی مرتبط باشد که به دینداری آنان خصلتی فردی می‌بخشد. در این حالت افراد در خصوص برخی مناسک دینی که بیشتر در حوزه دینداری عامیانه طبقه‌بندی می‌شوند، بازاندیشی کرده و در خصوص آن‌ها گزینشی عمل می‌کنند. به‌همین خاطر آنان مواردی مانند قمه‌زنی، زنجیر تیغ‌زنی، برداشتن علم، نخل بلند کردن و یا سایر موارد مرتبط با مراسم عزاداری را جزو خرافات طبقه‌بندی می‌کنند.

هم‌چنین نتایج نشان داد که مردم استان اصفهان روی هم‌رفته مردمانی تقدیرگرا هستند. تقدیرگرایی ایرانیان می‌تواند ریشه در باورهای مذهبی، تحولات کلان تاریخی، و شرایط دشوار اقتصادی و ناپایداری‌های اجتماعی موجود داشته باشد. اینگله‌هارت (۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹) در نوشته‌های خود بین «باورها و ارزش‌های مسلط بر جامعه» با «اقتصاد مبتنی بر کمیابی» رابطه برقرار می‌کند. در ایران نیز نتایج نشان داد که سطح توسعه و بالا رفتن کیفیت زندگی فردی و جمعی بر میزان خرافه‌گرایی افراد اثر منفی اعمال می‌کند. هم‌چنین با بالا رفتن سطح تحصیلات افراد و به‌ویژه برخورداری آنان از تحصیلات دانشگاهی از میزان خرافه‌گرایی و تقدیرگرایی آنان کاسته می‌شود (جدول ۴).

طبق تبیین کارکردگرایانه چنین می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی در جامعه ایرانی و برخورداری جامعه از پایداری، ثبات و امنیت نسبی در حوزه‌های مختلف زندگی، از سطح خرافات موجود در جامعه کاسته خواهد شد چرا که در تحت شرایط بسیاری از باورهای خرافی کارکرد خود را از دست خواهند داد. در این صورت ممکن است تنها برخی موارد مانند اسفند دود کردن، آن هم به‌خاطر کارکرد زیبایی شناسانه‌اش باقی بماند و نه به‌خاطر بار متافیزیکی موجود در این عمل؛ البته در کنار چنین تحولات ضروری است که حوزه عمومی قدرتمندی در سطح جامعه شکل گیرد تا از خلال آن نقد و خرد جمعی جایگزین باورهای فاقد پایه و اساس علمی و منطقی شود و راه بر خرافات و بدعت‌های جدید بسته شود.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی توسعه*، چاپ چهارم، تهران، نشر کلمه.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵)، *بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵)، *تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران: مطالعه موردی اهواز، اصفهان و ایلام*، پایان‌نامه دوره دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- افشانی سیدعلیرضا و اصغر احمدی (۱۳۸۸)، *میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد*، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران.
- الزبیدی، محمدبن محمدبن عبدالرزاق المرتضی (۲۰۰۱)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، الکویت، مطبعه حکومت الکویت.
- الفراهیدی، خلیل‌ابن‌احمد (۱۹۸۸)، *کتاب العین*، ج ۸، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، بیروت، موسسه العالمیه للمطبوعات.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و ارزش‌های پست مدرن»، ترجمه محمود سلیمی، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال سوم، شماره نخست.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۱)، «فرهنگ و دموکراسی»، ترجمه سیدعلی مرتضویان، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۰.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۷)، *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان*، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران، انتشارات کویر.
- پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۷)، *خرافه‌گرایی: چیستی، چرایی و کارکردها*، پژوهشنامه شماره ۲۳، زیر نظر سیدرضا صالحی امیری، تهران، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- خوری‌شرتونی، سعید (۱۹۹۲)، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، ج ۲، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۶)، *لغتنامه*، واژه «خرافه»، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی.
- سامتی، مرتضی و ربابه جابری (۱۳۹۰)، *رتبه‌بندی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر پتانسیل رشد اقتصادی*، طرح تهیه اسناد توسعه اشتغال و سرمایه‌گذاری در سطوح ملی، دستگاهی و استانی-گزارش مقدماتی بند ۱۲-۴، کارفرما: موسسه گنجینه پژوهش هامون اسپادانا، مدیر پروژه: مرتضی سامتی.
- شاهنوشی، مجتبی (۱۳۸۸)، *خرافات و برخی علل و زمینه‌های آن*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- شاهنوشی، مجتبی (۱۳۸۲)، *باورهای اجتماعی در شهرستان شهرضا و برخی عوامل مؤثر بر آن*، دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: انتشارات راه رشد.
- فروغی، علی و عسگری مقدم، رضا (۱۳۸۸)، *بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی*، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران.
- فی، برایان (۱۳۸۱)، *فلسفه امروزی علوم اجتماعی - نگرشی چند فرهنگی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- کرایب، یان (۱۳۷۸)، *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر آگه.
- گاربارینو، مروین (۱۳۷۷)، *نظریه‌های مردم‌شناسی*، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران، انتشارات آوای نور.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
- معین، محمد (۱۳۷۷)، *فرهنگ فارسی*، جلد، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- وارینگ، فیلیپ (۱۳۷۱)، *فرهنگ خرافات: عجیب‌ترین خرافات مردم جهان*، ترجمه احمد حجازان. تهران، حجازان.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تبیان.

- هوشیار، محسن (۱۳۸۵)، *رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان: کاربرد منطق فازی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه اقتصاد.

- Barsky, A.J., Sainfort, R., Rogers, M.P., & Borus, J.F. (2002) Nonspecific medication side effects and the nocebo phenomenon, *Journal of the American Medical Association*, 287(5), Pp. 622-627.
- Becker, J. (1975) Superstitions in Sport, *International Journal of Sport Psychology*, 6, Pp. 148-152.
- Beck, J., & Forstmeier, W. (2007) Superstition and belief as inevitable by-products of an adaptive learning strategy, *Human Nature*, 18(1), Pp. 35-46.
- Berger, P. (1997) *Against the Current*, Prospect, March.
- Blum, S.H., & Blum, L.H. (1974) Do's and don'ts: An informal study of some prevailing superstitions, *Psychological Reports*, 35, Pp. 567-571.
- Case, T.I., Fitness, J., Cairns, D.R., & Stevenson, R.J. (2004) Coping with uncertainty: Superstitious strategies and secondary control, *Journal of Applied Social Psychology*, 34(4), Pp. 848-871.
- Collins English Dictionary - Complete & Unabridged* (2009) by William Collins Sons & Co. Ltd, 10th Edition, HarperCollins Publishers.
- Douglas, M. (1966) *Purity and danger*, London: Routledge and Keganpaul.
- Emme, E.E. (1940) Modification and origin of certain beliefs in superstition among college students, *Journal of Psychology*, 10, Pp. 279-291.
- Encyclopedia of Britannica* (2008) Chicago: Encyclopaedia Britannica Publication.
- Gallup, G.H., & Newport, F. (1990) *Belief in the psychic and paranormal widespread among Americans*, Gallup New Service, 55, Pp. 1-7.
- Gmelch, G., & Felson, R. (1980) Can a Lucky charm get you through organic chemistry?, *Psychology Today*, 14, Dec, Pp. 75-78.
- Griffiths M.D., & Bingham, C. (2005) A study of superstitious beliefs among bingo players, *Journal of Gambling Issues*, 13.
- Groth-Marnat, G., & Pedgen, J. (1998) personality correlates of paranormal belief: Locus of control and sensation seeking, *Social Behavior and personality*, 26(3), Pp. 291-296.

- Hill, D., & Williams (1965) *The Supernatural*, New York: Hawthorn.
- Hunt, E., & Short, S. (2006) Collegiate athletes' perception of adverse ankle taping: A qualitative analysis, *Journal of Sport Rehabilitation*, 15(4), Pp. 280-298.
- Jahoda, G. (1969) *The psychology of superstition, London: Allan Lane*, The Penguin Press.
- Jaing, Y.A.C., & Adaval, R. (2009) The unique consequences of feeling lucky: Implications for consumer behavior, *Journal of Consumer Psychology*, 19(2), Pp. 171-184.
- Keinan, G. (2002) The effects of stress and desire for control on superstitious behavior, *Journal of Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(1), Pp. 102-108.
- Keinan, G. (1994) Effects of stress and tolerance of ambiguity on magical thinking, *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(1), 48-55.
- Lohr, J.M., & Bonge, D. (1981) On the distinction between illogical and irrational beliefs and their relationship to anxiety, *Psychological Reports*, 48, Pp. 191-194.
- Malinowski, B. (1948) *Magic, science, and religion and other essays*, Glencoe, Illinois: The Free Press.
- Maller, J.B., & Lundeen, G.E. (1933) Sources of superstitious beliefs, *Journal of Educational Research*, 26(5), Pp. 321-343.
- Maple, E. (1970) *Man, myth and magic, In an illustrated Encyclopedia of the Supernatural*, Edited by R. Cavendish. New York: M. Cavendish, 2726-2732.
- McCartney, E.S. (1952). The Superstition about literal and figurative separation of persons, *Classical Journal*, 48(2), Nov., Pp. 74.
- McGregor, I. (2006a) Offensive defensiveness: Toward an integrative neuroscience of compensatory zeal after mortality salience, personal uncertainty, and other poignant threats, *Psychological Inquiry*, 17, Pp. 299-308.
- McGregor, I. (2006b) Zeal appeal: The allure of moral extremes, *Basic and Applied Social Psychology*, 28, Pp. 343-348.

- McGregor, I., Haji, R., Nash, K. ., & Taper. R. (2008) Religious zeal and the uncertain self, *Basic and Applied Social Psychology*, 30, Pp. 183-188.
- McGregor, I., Zanna, M.P., Holmes, J.G., & Spencer, S.J. (2001) Compensatory conviction in the face of personal uncertainty: Going to extremes and being oneself, *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, Pp. 427-488.
- Norenzayan, A., & Hansen, I.G. (2006) Belief in supernatural in the face of death, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32, Pp.174-187.
- Otis, L.P., & Alcock, J.E. (1982) Factors affecting extraordinary belief, *The Journal of Social Psychology*, 118, Pp. 77-85.
- Oxford English Dictionary* (2012) Oxford; New York: Oxford University Press.
- Peterson, C. (1978) Locus of control and belief in self-oriented superstitions, *Journal of Social Psychology*, 105(2), Pp. 305.
- Pyszczynski, T., Greenberg, J., & Solomon, S. (2005) The machine in the ghost: A dual process model of defence against conscious death-related thought, In J.P. Forgas, K.D. Williams & S.M. Laham (Eds.), *Social motivation: Conscious and unconscious processes*, (Pp. 40-54). New York, NY, Us: Cambridge University Press.
- Risen, J. & Gilovich (2008) Why people are reluctant to tempt fate, *Journal of Personality and Social Psychology*, 95(2), Pp. 293-307.
- Rudski, J. (2001) Competition, superstition, and illusion of control, *Current Psychology*, 20, Pp.68-84.
- Rudski, J. (2003) What does a "superstitious" person believe: Impression of participants, *The Journal of General Psychology*, 130(4), Pp. 431-445.
- Rudski, J. (2004) The illusion of control, superstitious belief, and optimism, *Current Psychology*, 22, Pp. 306-315.
- Rudski, J. & Edwards, A. (2007) Malinowski goes to college: Factors influencing student's use of ritual and superstition, *The Journal of General Psychology*, 134(4), Pp. 389-403.
- Rudski, J., Lischner, M.I., & Albert, L. (1999) Superstitious rule generation is effected by probability and type of outcome, *Psychological Record*, 49, Pp. 245-260.
- Snyder, C.R., Sympson, S.C., Michael, S.T. & Cheavens, J. (2000) The optimism and hope constructs: Variants on a positive expectancy theme, In

- E.C. Chang (Ed.), *Optimism and pessimism* (Pp. 103-124). Washington, DC: American Psychological Association.
- Taylor, S.E. (1983) Adjustment to threatening events: A theory of cognitive adaption, *American Psychologist*, 38, Pp.1161-1173.
- Vyse, S.A. (1997) *Believing in magic: The psychology of superstition*, Oxford University Press.
- Webster's Third new international dictionary- unabridged* (1986) By Philip Babcock Gove; Springfield, Mass.: Merriam-Webster Publication.
- Zebb B.J., & Moore. M.C. (2003) Superstitiousness and perceived anxiety control as predictors of psychological distress, *Journal of Anxiety Disorders*, 17(1), Pp. 115-130.

